

هیئت حسینی گلشهر، سنت عزاداری افغانان

## عشق بی م

مریم دهقان | فرش‌ها یکی یکی در حیاط مدرسه شهیدکاشانی محله نیزه پهن می‌شود. تعداد فرش‌ها و خادماتی که آن‌ها را پهن می‌کنند، آن قدر زیاد است که نمی‌توان سرانگشتی حساب کرد؛ هم فرش‌های فیروزه‌ای رنگ شش‌متری که بوی حرم امام رضا (ع) را می‌دهد، هم پسرپچه‌ها. دو سماور بزرگ توی ایستگاه صلواتی در حال قل‌زدن است تا چای ریز مجلس، قوری‌ها را برای دم‌کردن چای روضه آماده کند. چند پسرپچه جلو در مدرسه نقش کفش‌دار را دارند و به عزادارانی که وارد مجلس می‌شوند، کیسه پلاستیکی می‌دهند. یکی از بزرگان مجلس،

### عزاداری تا ۱۳ شب

یکی دیگر از مراسم ویژه این هیئت، «گهواره کشتی» در شب نهم است که هیئت حسینی آن را متعلق به حضرت علی اصغر (ع) می‌داند؛ زیرا معتقدند آخرین یار امام حسین (ع) که کوچک‌ترین سرباز است، در روز آخر به شهادت می‌رسد؛ به همین دلیل، این روز را برای شش ماهه کربلا عزاداری می‌کنند. محمد حسین خاوری، یکی از اعضای قدیمی هیئت، درباره این مراسم می‌گوید: شب نهم، خانم‌ها گهواره‌ای نمادین را تزئین می‌کنند. این گهواره نیز طی سال در منزل یکی از اعضای هیئت نگهداری می‌شود و برای آوردنش به مراسم، باید نذری پای آن‌ها داد. در حالی که روضه حضرت علی اصغر (ع) را می‌خوانند، گهواره به هیئت آورده می‌شود. آن رازوی دست‌ها، به سمت خانم‌ها می‌برند که گویی آن‌را به خیام امام در کربلا برده‌اند.

شام غریبان هیئت حسینی نیز متفاوت است. آن‌ها برخلاف ایرانی‌ها که در گروه‌های کوچک، به خیابان می‌آیند و شمع روشن می‌کنند، به صورت متمرکز در هیئت حضور دارند و شمع روشن می‌کنند. خاوری توضیح می‌دهد: شام غریبان، یادسته به سمت حرم امام رضا (ع) حرکت می‌کنیم. مراسم ماتاشب سیزدهم ادامه دارد و روز آخر، باشله مشهدی از میهمانان پذیرایی می‌کنیم. بعد از آن علم‌راکه از شب هفتم در هیئت گذاشته ایم، برمی‌گردانیم و اصطلاحاً می‌گوییم «علم را پاییین می‌آوریم» و روضه را تاسال بعد جمع می‌کنیم. علم در خانه یکی از بزرگان هیئت نگهداری می‌شود؛ آنجا هم نذری باید داد تا بگوییم عزاداری مورد قبول امام قرار گرفته است.

### علم‌کشی به نام علم‌دار کربلا

با اینکه سال‌هاست همه خادمان و هیئت‌امانای هیئت حسینی در ایران زندگی می‌کنند و جوان‌ترهایشان در همین کشور به دنیا آمده‌اند، عزاداری این هیئت بر اساس فرهنگ دینی افغانستان برگزار می‌شود. مراسم آن‌ها تا سیزده شب به چند دلیل ادامه دارد؛ ابتدا حرکت اسرای کربلا به سمت کوفه، دوم عزاداری شب سوم شهادت امام حسین (ع) و سوم عزاداری شهادت امام سجاد (ع).

در این شب‌ها چند مراسم ویژه بر مبنای تاریخ کربلا برگزار می‌شود. نخست مراسم «علم‌کشی» در شب هفتم که آن را متعلق به حضرت عباس (ع) می‌دانند و دلیلش این است که طبق روایات، علم‌دار کربلا برای نخستین بار در چنین شبی، خود را به فرات رساند و مشک خود را آب کرد؛ عزاداران هیئت حسینی این شب را منتسب به حضرت ابوالفضل (ع) می‌دانند.

علم‌چوبی هیئت که تزئین شده است، طی سال در خانه یکی از پیرغلامان نگهداری می‌شود. در شب هفتم، پیش از شروع مراسم معمول عزاداری، تعداد زیادی از جوانان و پیرغلامان و خادمان، سینه‌زنان از جلو هیئت به سوی آن خانه می‌روند و ذکر مصیبت می‌خوانند تا آن علم‌راکه برایشان بسیار مقدس و باارزش است، بر دوش علم‌دار بگذارند. قبل از اینکه به سوی هیئت برگردند، باید چیزی، نذر این علم‌کنند که کمترینش، به گفته پیشکسوتان هیئت، حلوی سرخ یا همان حلوی بربری معروف است. بعد از ادای نذر، سینه‌زنان پشت سر علم‌دار تا محل هیئت، نوحه می‌خوانند و عزاداری شب هفتم را آغاز می‌کنند. تا آخرین شب عزاداری، علم در جای مشخصی از هیئت قرار می‌گیرد. بعد از آن و تا سال بعد، علم به امانت در منزل یکی از پیرغلامان نگهداری می‌شود.

### حلقه‌ای برای انیس بیشتر

خاوری دلیل شکل‌گیری این هیئت را این‌گونه تعریف می‌کند: بعد از آنکه شوروی به افغانستان حمله کرد، بسیاری از هم‌کیشی‌های من به ایران مهاجرت کردند و در همین محله گلشهر ساکن شدند. آن زمان اینجامثل امروز آباد و پر از خانه نبود. زمین‌های خاکی زیادی داشت. مهاجران دهه ۶۰ برای اینکه فرهنگ و آیین خود را حفظ کنند و کنار یکدیگر باشند، هیئتی به نام «حسینی» تشکیل دادند که پدر من هم جزو حلقه اولیه بود.

این هیئت به همت مرحوم واسق که از روحانیون مهاجر بود و چند روحانی دیگر که از همان ابتدا، مراسم خود را در مسجد امام زمان (عج) همراه برادران ایرانی‌شان برپا می‌کردند، تشکیل شد.

محمد حسین خاوری پنجاه سال دارد و سال ۱۳۶۰، وقتی حدوداً شش ساله بود، با پدرش به هیئت حسینی می‌آمد. او اولین مکانی را که این هیئت برای برگزاری مراسم خود دست و پا کرد، به یاد دارد. به گفته خاوری، در گلبوی ۱۶، زمینی توسط خیری برای ساخت مسجد امام زمان (عج) در نظر گرفته شد و بچه‌های هیئت دست به دست هم دادند و آجر به آجر آن را خشت کردند و دیوارهای مسجد را بالا بردند. او فقط شش سال داشت و با دست‌های کوچکش که به زحمت می‌توانست یک آجر را جابه‌جا کند، در ساخت این مسجد سهیم شد.

### هزینه‌ها با خودمان است

طاهر واعظی یکی از پیرغلامان هیئت حسینی است که جوان‌ترها را هدایت می‌کند تا بتوانند هیئت را برگردانند. او درباره حضورش در این هیئت و نحوه آشنایی‌اش می‌گوید: ۴۵ سال است که ساکن همین محله هستم و از سال ۶۰ با هیئت حسینی آشنا شدم. وقتی دیدم هیئتی از مهاجران در محله تشکیل شده است، با ذوق و شوق به آن پیوستم و از همان نوجوانی در آن خدمت می‌کردم. واعظی که بیش از شصت سال دارد، مهم‌ترین دلیل ماندگاری‌اش در هیئت را عشق و علاقه به امام حسین (ع) عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: وقتی یک نفر به امام حسین (ع) علاقه مند می‌شود، دیگر دلش نمی‌خواهد از او جدا شود. آدم‌های این هیئت هم به عشق خدمت به امام، در این هیئت هستند.

او می‌گوید: این هیئت منظم است و خادمانش با همین رویه بزرگ کار و خدمت می‌کنند. همه هزینه‌های هیئت با خودمان و میهمانان این هیئت است و یانی مشخصی ندارد. با اینکه اغلب ما کارگر هستیم، از جان و دل برای برپایی هیئت هزینه می‌کنیم.

